



اینجا تخیل صرف، ارزش و اعتباری ندارد

گپ وگفتی با سارا عرفانی درباره دختر ماه، نخستین زندگینامه داستانی از زندگی حضرت فاطمه معصومه (س) برای نوجوانان

سارا عرفانی متولد سال ۱۳۶۱ در تهران و دانش آموخته الهیات در گرایش فلسفه اسلامی «دانشگاه شاهد» است. از مشهورترین آثار این نویسنده، باید به لبخند مسیح، پنجشنبه فیروزه‌ای و هدیه ولنتاین (مجموعه داستان کوتاه) اشاره کرد. وی همچنین تجربه‌هایی در نوشتن داستان زندگی دارد و از آن جمله است: «پروانه‌ای که سوخت»، روایتی داستانی از زندگی نواب صفوی. او برای «لبخند مسیح» عنوان رتبه اول «جشنواره سراسری بانوی فرهنگ» را در سال ۱۳۸۵ تصاحب کرد. اما پرافتخارترین کتاب او «پنجشنبه فیروزه‌ای» است که «برگزیده جشنواره رضوی» و «برنده جایزه کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور» در سال ۱۳۹۴ و حائز رتبه نخست «جشنواره جایزه مردمی کتاب» در سال ۱۳۹۵ شد. این گفت‌وگو به بهانه انتشار «دختر ماه» صورت گرفته که روایتی داستانی از زندگی حضرت معصومه (س) برای نوجوانان است. دختر ماه در سال ۱۳۹۷ از سوی «انتشارات مدرسه» و در قالب «مجموعه ریحانه» منتشر شده و در فهرست کتاب‌های مناسب همین سال دفتر انتشارات و فناوری آموزشی راه یافته است.

من برای این کار منابع زیادی را دیدم، ولی اصلی‌ترین منابع من در این داستان، «الارشاد» و «عیون اخبار الرضا» بودند. راستش را بخواهید، من تصور می‌کردم چون اثری داستانی خلق می‌کنم و فضا، فضای کارهای علمی و پژوهشی نیست، لازم نیست منابع ذکر شود. اتفاقاً وقتی نسخه اولیه کتاب را تحویل دادم، ناشر هم منابع را خواست و من تنظیم کردم و برای ناشر فرستادم. با این حال در نهایت در پایان کتاب منتشر نشد. نوشتن درباره شخصیت‌های تاریخی، به‌خصوص درباره معصومین (علیهم‌السلام) یا بزرگانی که خیلی به معصومین نزدیک هستند، خیلی دشوار است و نباید از چارچوب‌هایی خارج شد. درباره حضرت معصومه (س) هم اطلاعات موثق بسیار کمی وجود دارد و شاید اگر همه این اطلاعات را یک جا جمع کنید، با حذف موارد تکراری، دو سه صفحه بیشتر نشود. ظاهراً به لحاظ اختناق و فضای امنیتی حاکم آن دوران، خیلی اجازه داده نمی‌شد اطلاعات زیادی درباره این بزرگواران ذکر شود. ماجرا به خانم‌ها هم محدود نمی‌شود. درباره حضرت احمد بن موسی (ع) هم همین‌طور است و با عنایت به خدمات و نقش مؤثرشان، اطلاعات بسیار محدودی درباره ایشان وجود دارد.

■ اگر اشتباه نکنم، کار شما به لحاظ موضوع، یعنی پرداختن به زندگی حضرت معصومه (علیها سلام)، نخستین داستان در نوع خود به شمار می‌رود. درست است؟

یکی دو تا کتاب داستان درباره زندگی حضرت معصومه (س) هست، اما داستان نوجوان تا به حال نداشتیم. من در تحقیقاتی که قبل از نوشتن کتاب داشتم، متوجه شدم این بانوی بزرگوار، کارهای علمی زیادی انجام داده‌اند. در این کتاب، به این بعد از شخصیت ایشان خیلی مفصل پرداخته نشده است، چون در این صورت شاید داستان از حوصله مخاطب نوجوان خارج می‌شد. لذا ترجیح دادم از این نکات چشم‌پوشم تا داستان قدری روان‌تر پیش برود.

■ می‌توان تصور کرد که نوشتن کارهای تاریخی، خصوصاً درباره خاندان پیامبر (ص)، چقدر سخت است. یکی از دلایل این سختی، کمبود منابع درباره زندگی آن‌هاست. درباره قهرمان روایت خودتان که خانم هم هست، بالطبع کار به مراتب دشوارتر بوده است. منابع اصلی شما برای نوشتن کدام‌ها بود و چرا نام آن‌ها را در پایان کتاب ذکر نکردید؟

■ دشواری دیگر، جایگاه این خاندان است و نمی‌توان از عنصر خیال، در توصیف آن‌ها خیلی بهره برد و هر گفتاری و هر رفتاری را به ایشان منتسب کرد. این کار دربارهٔ دیگر شخصیت‌های تاریخی آسان‌تر است. روایت شما از زندگی قهرمانان تا چه اندازه آمیخته با ملات خیال و چقدر مبتنی بر اسناد صریح است؟

بله همین‌طور است که شما گفتید. کتاب‌هایی هستند که در این زمینه داستان‌پردازی کرده‌اند و خیلی از تخیل بهره برده‌اند. اما بسیاری از آن نکات صرفاً خیالبافی‌اند و مستند و قابل اتکا نیستند. در نتیجه ارزش و اعتبار زیادی هم ندارند. من از خیال فقط حول و حوش اطلاعات دقیقی که پیدا کرده‌ام، بهره گرفته‌ام. من برای نوشتن داستان خیلی تحقیق کردم؛ هم در اسناد تاریخی و هم نزد بزرگانی که در تاریخ اسلام مطالعاتی دارند و براساس تحلیل‌های دقیق تاریخی می‌توانستند بگویند که روایت‌ها چقدر قابل اتکا هستند. مثلاً ماجرای که دربارهٔ سنین کودکی حضرت معصومه(س) در کتاب آمده است، شاید سند خیلی محکمی نداشته باشد. خود نقل‌کنندگان هم ضمن بیان ماجرا به این موضوع اذعان کرده‌اند. اما وقتی با این تحلیلگران صحبت می‌کردم، می‌گفتند با توجه به مقام شامخ علمی این بانوی معظم در خانوادهٔ امام موسی(ع)، این موضوع خیلی بعید نیست و می‌تواند صحیح باشد.

من سعی کردم روایت‌هایی را که حتی مستقیماً دربارهٔ ایشان نبودند، بررسی کنم. مثلاً از روایت‌هایی که دربارهٔ امام رضا(ع) آورده شده‌اند، اگر مربوط به زمانی بودند که در شهر مدینه تشریف داشتند و خواهرشان در کنارشان حضور داشتند، استفاده کردم. چون داستان برای مخاطب کودک و نوجوان است، دو شخصیت (یک کودک و یک نوجوان) را به‌عنوان فرزندخواندهٔ آن حضرت وارد داستان کرده‌ام که خیالی‌اند. البته اصل موضوع که آن حضرت ازدواج نکرده بودند و فرزندی نداشتند و از فرزندان یتیم علویان سرپرستی می‌کردند، در منابع روایت شده، اما مشخصاً به فرد خاصی اشاره نشده است.

■ در جایی از داستان، آنجا که نامهٔ امام رضا به خواهرشان می‌رسد، شما به صراحت از زبان خواهر می‌گویید که امام ایشان را به مرو دعوت کرده است. به نظر می‌رسد، در منابعی که از وجود چنین نامه‌ای سخن گفته‌اند، کسی به این خواسته تصریح نکرده است. ممکن است متن نامه حاوی حقایقی از رفتارهای ناپسند مأمون با امام بوده باشد و خواهر به دلیل دلتنگی خواهرانه یا برای آنکه در کنار برادر مظلومش قرار بگیرد و او را در این شرایط تنها نگذارد، شخصاً تصمیم به سفر گرفته باشد. آیا شما دربارهٔ صراحت دعوت به قطعیت رسیدید؟ چون این نکته در سفر حضرت معصومه خیلی کلیدی است.

در منابع تاریخی تصریح نشده که در نامه چه نوشته شده است. در این قبیل موارد تاریخی، به خاطر اطلاعات کمی که در اختیار داریم، خیلی سخت می‌شود به نتیجهٔ قطعی و دقیق رسید. اگر

قرار بود فقط به همان موارد قطعی بسنده کنم، شاید نباید اصلاً کتابی نوشته می‌شد. من تلاش کردم منابع را کنار هم بگذارم و از مشورت بزرگانی که در تاریخ تحلیلی اسلام کار کرده‌اند، استفاده کنم. اما به‌عنوان نویسنده، هیچ ادعایی دربارهٔ بخش تاریخی این ماجرا ندارم. از این مواردی که شما می‌فرمایید ممکن است کاملاً مستند نباشند، در زندگی حضرت معصومه(س) زیاد است. دست ما خالی بود و من مجبور بودم به همین ماجراها و روایت‌های محدودی که دربارهٔ ایشان گفته شده‌اند، بپردازم.

■ آیا از ایده‌های دیگری که در ذهن داشتید، هنوز هیچ‌کدامشان برای آمدن روی کاغذ یا پیش گذاشته‌اند؟ به عبارت دیگر، به زودی شاهد اثری تازه از شما خواهیم بود؟

یکی دو کار کودک انجام داده‌ام که در انتظار انتشارشان هستم. «پسر من بزرگ شده» یکی از آن‌هاست که داستانی از کودکی‌های شهید یدالله کلهر است. داستان من جزئی از یک مجموعه است که قرار است توسط حوزه هنری منتشر شود. چند کتاب دیگر هم هست که وقتی کمی جلوتر بروند، می‌توان در مورد آن‌ها صحبت کرد.

■ اگر سخن دیگری دربارهٔ کتاب دارید، بفرمایید.

دربارهٔ مجموعهٔ ریحانه، که قرار است بانوان بزرگ خاندان پیامبر، مانند حضرت زهرا(س)، حضرت زینب(س)، حضرت خدیجه(س)، حضرت ام‌البنین(س) و حضرت معصومه(س) را به دختران دانش‌آموز معرفی کند، انتظار داشتم ناشر کتاب‌ها، برنامه‌های خیلی بهتری دربارهٔ آن‌ها برگزار کند. اما حداقل در این یک سالی که از انتشار کتاب می‌گذرد، فعالیت قابل توجهی رخ نداده است. جا دارد انتشارات مدرسه، مهر بیشتری نسبت به کتاب‌ها نشان دهد و نقش فعال‌تری در معرفی آن‌ها ایفا کند. مثلاً ناشر می‌تواند برنامه‌هایی برای رونمایی از کتاب‌ها در مدرسه‌های علاقه‌مند ترتیب دهد و نویسندگان نیز در مراسم حضور یابند.

نکته دیگری هم می‌خواهم دربارهٔ آثاری که جایشان هنوز در بین کتاب‌های کودک و نوجوان خالی است، بگویم. برای کودکان و نوجوانان، کتاب زیاد نوشته شده، اما متأسفانه در میان این آثار، شخصیتی که در ذهن بچه‌های سرزمین ما ماندگار شود، کمتر آفریده شده است. به عنوان مثال، شخصیت هری پاتر را در همه دنیا می‌شناسند. چرا نویسندگان ما نباید شخصیت‌های ماندگاری خلق کنند که با فرهنگ خودمان تناسب داشته باشد. یک وقت‌هایی به من پیشنهاد می‌دهند که در مجموعه‌های مختلف، داستان کودک بنویسم؛ راستش دست و دلم به کار نمی‌رود. می‌گویم کتاب که زیاد است؛ باید طرحی نو دراندازیم و چیزی بنویسیم که با تمام آنچه که تا امروز نوشته شده است، فرق داشته باشد. چیزی که برای بچه‌های این سرزمین، راهگشا باشد و الگوی شایسته‌ای به آن‌ها معرفی کنیم. اگر این طور بشود، نوشتنمان اثربخش و جریان‌ساز می‌شود؛ وگرنه می‌شود مثل صدها کتابی که شاید یک چاپ منتشر می‌شوند و چندان اثرگذار نیستند.

نوشتن درباره

شخصیت‌های

تاریخی،

به خصوص

معصومین

(علیهم‌السلام) یا

بزرگانی که خیلی

به معصومین

نزدیک هستند،

خیلی دشوار

است و نباید از

چارچوب‌هایی

خارج شد